



رابطه هوش معنوی با خودتنظیمی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت

سعید امیدوار^۱، مرضیه خادم صادق^۲

^۱دانشگاه شیراز / آموزش و پرورش ،omidvar29@yahoo.com

^۲دانشگاه شیراز / آموزش و پرورش ،marzieh.khademsadegh@gmail.com

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش معنوی با خود-تنظیمی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت انجام شده است. این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است و جامعه‌ی آماری ۱۰۲۳ نفر از دانشجویان دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت می‌باشد که تعداد ۲۸۸ نفر از این جامعه به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع آوری داده‌ها، دو پرسش‌نامه هوش معنوی کینگ که روایی محتوایی آن قبلاً توسط سازندگان آن تایید شده و پایایی آن ۹۰ درصد گزارش شده است و پرسش‌نامه‌ی خودتنظیمی بوفارد و همکاران بود که آلفای کرونباخ آن ۷۲ درصد گزارش شده است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین هوش معنوی و خودتنظیمی، بین هوش معنوی و بعد شناخت، بین هوش معنوی و بعد فراشناخت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: هوش، هوش معنوی، خودتنظیمی، دانشجویان، کارشناسی ارشد.

مقدمه:

امروزه تقریباً تمام کسانی که طرفدار توسعه و اصلاحات هستند در همه جای دنیا از نظام آموزشی خود شروع می‌کنند. بنابراین ضرورت دارد که در بسیاری از ابعاد نظام آموزشی، به ویژه در نقش دانشجویان در فرآیند یاددهی-یادگیری تغییراتی ایجاد شود. در تعلیم و تربیت جدید نقش سنتی استاد و دانشجو به کلی دگرگون شده است. در عصر انفجار اطلاعات تاکید نظام آموزشی بر انتقال اطلاعات نیست چرا که حجم اطلاعات به گونه‌ای است که اگر فردی تمام عمر خود را به مطالعه و پژوهش در یک شاخه از علوم اختصاص دهد کافی نمی‌باشد. بنابراین نظام آموزشی باید به جای پرداختن به مواد درسی به کل انسان بپردازد و به تمام ابعاد زندگی او توجه کند و به جای تاکید زیاد بر محتوا و اطلاعات باید به تربیت یادگیرندگانی که احساس ارزش و خودباوری دارند بپردازد.

¹Butler & vienna